

نوع سوسیالیسم مازاریک که شاید وجود منشک زیادی با مارکسیسم ندارد . این گفته کاملاً با حقیقت واقع میدهد .
روزیونیستهای حزب توده ایران که از حوارت چوکسلواکی و لهستان در جار سراسیمه کی کرد میداند پیشتر هم سرمه اطمینان میداشتند که چوکسلواکی بسوسیالیسم و باتحاد شوروی و اسلام رخواهد ماند . ولی آنها همانستند و بچک دیرین اول نازه حزب گوئینیست از پیوند کشور با سوسیالیسم سخن رانده است . روزیونیستها تمام تحولاتی را که در زمانه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روی راه رساند و روی میداد عالم اسلام آبدست فراموشی سپارند و سخن حنک و حالی دیچک را ملک فرار میدهند . این آمایان در سورانی که حتی شاه ایران اقدامات خد ملی و عدد نورهای خود را بنام "سوسیالیسم " بجهانیان ارائه میدهد این انتظار کرد کانه را رانند که دیچک صریحاً اعلام کند که میخواهد کشور را باز هم سینه سوی احیای سرماید ای سوق دهد . حملت روزیونیستها هر اندازه عم که براست ضمایل باشد اینسته حنان خود را با چاشی مارکسیسم - لنینیسم همراه میکنند . روزیونیستهای حزب توده ایران نوادهای مرد ایران را میفرسند و میکشند ماهیت حوارشی را که در چوکسلواکی و دیکتکنوهای روزیونیستها میکند را از نظر آنها بپوشانند . اما آیا میشود همه را برای عصیانه فریفت ؟

مطتقی، رفیعهای اقتضایی بود زیرا این رفته و رضوی میتوانست
بعدیات حور آدامه را دهد که هیچ مداخله سیاسی راه آنرا سد
نکند.

برای آنکه «هیچ مداخله سیاسی» جلوی این فرم را نگیرد لازم بود که روپرتویستها که نظر خود را بهترانه محل بالارزی کرده بودند کار بروند . دراین جاست که میازده میان قدرجدید و روپرتویستها بروکرکات دزیر شمار بورژوازی «لیلرلیزراشیون» و «دموکراتیزاشیون» دو میگردند . این میازده هم اکنون در لهستان و در اتحاد شوروی جریان دارد . در چکسلواکی بعلت وجود عوامل مناسب این میازده بپیورزی شرچدید آنجامید . سوتوشی در پیر حرب «کونویست» و رئیس-جمهور کشور میباشد از سمت دبیری حزب و سپس از مقام رایست جمهوری استعفا کند ، در دنبال او عده دیگر از مقامات خود استعفا کردن . اکنون استندروج ولی با سمعت بپوکرانهای روپرتویست از کار برگزار بشنوند و افراد یکه در جریان رعم سالهای اخیر روآمداند بجای آنان می شنینند . شمار «دموکراتیزاشیون» در واقام و سیلهای است برای آنکه بنا پای سوسیالیسم را نیز مورد مستبدود فراز دهدن . نظری به یارمای از نکات برترname حزب «کونویست» چکسلواکی که جسته کریخته در مطبوعات انتشار یافته در این زمینه جای تردیدی ساقی تعیینکار است .

این برناهه در یونینه افشاری کلک دولت را به موسسات تولیدی
حدف میکند . این موسسات ، اهمیت آنها برای اقتصاد کشور عرضه
باشند، باید از این پس طریق خود را اداره کنند که سازماندهی
دولت نباشند . در غیر اینصورت نخواهند توانست بکار تولیدی
خود اراده داشند . موسسات تولیدی بهای محصولات خود را
خود تعیین میکنند ؛ آنها حق دارند مستغای با مشتریان
خارجی برای خود محصولات خود وارد مذاکره شوند . در این
برامه دولت به "سرمایه های خصوصی خارجی" املاکه میدهد
که در کشور چکسلواکی سرمایه کناری کنند و حتی این سرمایه-
ها را شرطیق هم میکند تولید و تجارت خصوصی کوچک مجاز
نموده و باز این قابل .

در ارتباط طی این تحولات اقتصادی تحولاتی در رینه اجتنبا صورت میکرد. «این امکان داده بیشود که سازمانهای نازما در جامعه پدید آید» یعنی بر طبق آن احزاب سیاسی بدیگری در کشور متواتد تأسیس گردید اما در این میان حزب کویستی نقش هیربی را بر عهده حواهد داشت. «چکولوکایکا پیده صورت کشید که در آن ایدئولوژی بورزوئی بذوق داشتند ایدئولوژی سوسیالیستی مقابله کرد.» البته همه اینها کویادر نادر رزیم سوسیالیستی و بر اساس اصل تنوع ساختان سوسیالیسم در کشورهای مختلف انجام میگردند. بقول یکی از سروچنیان کوتی «اما این سوسیالیستی حواهد بود که از سرچشمه سنتها کاملاً ملن آلب میخورد و میتوان گفت سوسیالیستی خواهد بود از

روزیزونیست ها . . . بقیه از صدها
۱ - روزیزونیستها معتقدند که از آنها که جنبش در داخل کشور ضعیف است و در واقع دوران فوکوشرا میکه رانهای اراده رخواج نمیتوان در انتظار جنبش رسیحی بود "البته وسعت جنبش در حارج با جنبش مردم در داخل کشور ارتباط و تابعیت اراده ولی نباید این ارتباط و تابعیت را ملکیکی را نسبت و تنبیطواهی امر نگیریست . اگر صدای خلق در داخل کشور حامون است به علت عدم آگاهی و فقدان رشد فکر مردم نیست بلکه رژیم تسرور و اختناق فعلی هیکوشد هر صدای را به خفختان اندازد . اگر مردم ایران از آزادی نسی - نظری آزادی نسبی داشتند، مسلماً فرار جا زرای حق در حارج کشور برخوردار بودند، آنوقت حق- طلبانه آنها کوش روزیزونیستها را هم گرمیکرد و آنوقت حق حتی

روزیونیستها و سنت جنبش در داخل کشور را مهندس نمایند
حتی با وجود فقدان هر کوئنگ ایوانی عمل صدای دانشجویان
ایرانی که در داخل کشور سازه میکنند بکوش چهارشان میسد و
نهایا روزیونیستها هستند که جنبش دانشجویان شجاع داخل
کشور را چیز مشمارند . آنچه امروز میتواند جنبش دانشجویان
را - شلا - در خارج از کشور - و سعیت بخت داشت رسید سیاسی آنها
و آگاهیشان از تضادهای اساسی جامعه ایران است .

۲ - بعیده آنها ترکیب خود جنبش صفت آنرا همیشه در بر
دارد . یعنی از یکطرف (دانشجویان) اکثر از طبقات مرغه

ضد انقلاب در بقیه از مردم تمام کشورهای سوسیالیستی این رفوصها را آغاز کردند. برای آنکه مقایسه از این رفعهای بدست راده باشیم ذکر چند رقم بسایرده نیست. بر لیستان ایصال

۱۹۵۱ سیعده‌شست هزار گوپرایتو تولیدی موسیالیست منت
اعلام کردید و تولید افزایی چنان آنها را کرفت - به طبق آمار
رسی در سال ۱۹۶۱ تعداد موسسات خصوصی که بحساب حود
بفعالیت تولیدی و اقتصادی بیشتر اختندیارت بود از
۷۰۰۰ کارخانه ترچک ۱۵۰۰۰ موسسه تجارتی و ۴۷۰۰۰ کارکاره
ظرف سال که نهضه تعدد ادبیاتی از موسسات ترچک دولتی و
گوپرایتوی بافار و اکثار کردید و بصورت موسسات خصوصی در آمد
از اینجهله است پیکرهار استوران و کافه، پنج هزار فروشگاه گلچشم
صیره - نشته بنجساله اقتصادی بهجهوه در دنیاحدور
ساختن این بخش خصوصی نیست بر عکس درین سیط و کشتیران آن
است - همراه با این ورمبهای تولیدی و اقتصادی بندیری هیئت
ملحقاتی حزب تفسیر میباشد - آنکه در حزب "گونویست لهستان
کارکردن بیش از ۳۰۰ اعضا را تشکیل نمیدهد - کارگران از
میانات حسان جزوی برگزار کردیده و طی آنها شرمنهای از امراء
روشن‌نگر، مهندسین، تکمیلیین هاو تویسند گان میکرند .

بر ترجیح رفتهای اقتصادی قشرهای بورزوایی تازه‌ای در راجه‌معده پدید آمدند، کنترل‌هایی که اهرم علی اقتصاد و تولید را در است کرته اند و علاوه‌قیمت اند که این رفتهای اسراحت از میثاسته سریع - در پیش رو و رسانی تازه‌ای نسبت‌بای آنها پدید کرد. یکنته لیکان مدیر تلویزیون برآک "رفم در زندگی ما ساختمانهای تازه‌ای" پیاده کردند و لازم بود که حزب پارکانهای دولتی و اشتادی کرومهای دیگر اختیار عمل پیشتری بدند. این اقدام نتیجه

خسته‌زیر، بقیه از هر تدارک می‌شود کما زمینه است خردمنابع عطیین اسلحه ازشوری و واک از منابع عظیم سینگ من در شمال غربی باشوروی . بیوهوده بیست که وزننامه اینوستیا (در شماره ۲ آوریل) گفت منابع مذکورها " معرفی کننده ایران عصرها شایدی است . واقعیت این است که در هیچ عصری چنین تعداد کثیری از ممالک حارجی در غارت منابع ثروت ما شرک نجت‌هایاند . این خصوصیت شوی از ایران خبر ماست که برای روپرتویشیها مبارک است .

روزیزینیستهای ایران از تاثیر استقلال بخشن کهکای احتمال
شوروی با بران سخن میکویند و میخواهند خلیق ایران را این
مسطه پریند که کریا با وجود بقای حکومتی که محلق امیر-
مالیسم و زیر امیریالیسم است، با وجود سلطه امیریالیسم
امیریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه، ایتالیا، کشورهای میتواند
بدست روزیزینیستها بسوزنل استقلال و ترقی و رفاه فرازاید.
این ادعای آنها در حکم نون ماهیت امیریالیسم، نون لزوچهارز
حلقه‌ها، نون لزوم انقلاب است، افسوسنی است بعنطر اینکه زنجیر

نظامی از اسارت بزرگترین های کهنه بیانیه داشتند. نمونه کشورهایی هستند که در سالها پیش با آنها هم اتفاق افتاد و رجباری ماست. نیستهای شوروی بخاطر تامین نفوذ هوشی و در حال حاضر جنوب این سرزمین به بوروزان هندشار کردند و بجانی یک کاروانه دو کاروانه از آهن برای آن ساختند. ولی هر روزی که گذشت فتوپرسی خانمانی خلک را کوچه خیابان میزدند از مدها هزار کردند از این طبقه سرمهانند کردند. سیاست هند پیوسته رویجهت تمايلات امیریالیسم داشتند که اغلب این انتقلابی، قلعه ایگانیزی بر طبقه و رفاقت اسرائیلیان شئون باشند. این تدبیر رفت و در مردم ایران نیز چنین که چنین توده ای است پیشتر رفت. در مردم ایران نیز چنین است و چنین خواهد بود. ورزش اطلاعات از خود از ۴۶۰۰ باعلم بسیار از اطهار شادمانی کرد که "امروز روسها در نظرات خود شان نسبت به ایران تجدید نظر کردند" و بدینسو تاکید کرد که ایران در سیاست "مستقل" خود - همان سیاست کمالان دالی و شوانزنگ و اشرف پهلوی در آستانه کودتای ۲۸ مرداد موشیش طرح آن را بخیتند - همچنان پا بر جاست. سفرنخست وزیر شوروی با ایران مطلع از ازیاسیت نواسته اماراتی روزنیستهای شوروی و ظهیری از هکاری عینیق آنها با امیریالیست امریکان تقسیم جهان است. پیروزی ایرانیه از انتقلابی خلق ایران بر علیه امیریالیسم، روزنیستیم و زیم ایرانی مورد حمایت آنها.

حرمان عمومی روزی را تنقی سازد .
شنبه شانه شکست امریکائیها در آتست که بهین بست افتد
امیرالیس امریکا همیشه روی نقش نیروی هوایی خلیل حساب
میگنند و برای ویران ساختن شمال ویتمان نیروی هوایی عظیمی
کلکار انداحت ولی اکنون این "عظیمترین نیرو" خود در چارخه عقد
گردیده است . امروز میگنند که با نیروی توحدهای را
کلک نیروی دویانی یکنک نیروی هوایی بشتابد . ولی تنجیمهای
اعمال پیشتر از کشته نیست . تعداد هوایپاهاشی که در شمال
شکار کردیده اند از ۴۰۰ تجاوز میگنند هزاران نفر از جمله ایشان
آتشنا بقتل رسیدند یا باسارت افتادند . . . از این امریکائیها است
حلق شمال ویتمان را از آن بازدار که بکل ۱ میلیون هموفنا
شان در ویتمان جنوی بشتابد . روز بیرون موقعت امریکا را
جنوب ویتمان استخاک میگیرد . آتشنا بجهوی منعاده میگنند که
حملات هوایی به ویتمان شمالی منجر بحل عجیب از مسائلی که
مریکا با آن مواجه بود نگریده است .
بالمسکن شباور امریکا بویتمان جنوی وسط و آنه آن بویتمان شمالی
مریکا را در مقیاس جهانی بخوبی می سایقای منفرد ساخته است .
در همینجا سیاست امریکا کار و دشکون میگیرد با لاخره همین
تصدر امریکا ایشانست میگانند . . . حافظ حاکم امریکا در این
خطاط بحرانی چاره دیگری نداشته ایزرا یانکه تمام کاه هارا به
کسر کرد نمیزد نکناما را بیاندازند و اورانیا کریکار و کنکنی شایند .
لیستهای برگاری او سیاست دیوانه اواریکا تعبیه نمیگند و حتی
میمید نیست که امریکا را بین جنگ کاهمای و خشنیاند یکی بزد از
لوی اینهار پگر تعییتواند در این واقعیت تمیزی بوجود آورند که
ذکرت طبع امریکا ایز جنگ احتنای ناندی است .

۰۰۰ آنچه در مقابل امریکا قرار گردید و راه یعنی پیروزی و شکستنیست بلکه عبارت است از شکست و یا شکست در ناکر. ۰۰۰ تازمانیک امریکائی ها در سرزمین ما باقی هستند اماکن توسعه جنده بودند دار و ولی ما در هر زمان آماده ایم که اعمال ماجرا. جویان آنها را با شکست مواجه نماییم.

۰۰۰ از زمانیک امریکاییان استراتژی جنگ موضعی را آغاز کردند سه پدیده آتشکار پیش میخوردند ۱- هرچه فوای نظامی امریکا افراطی پیشه، ۲- نخلات آشناز افرادی پیشه ایست ۳- هرچه قوای امریکائی به مردم نطاپیش را شعوفی کرده، ۴- حسارات آنها نزد افزوzen تر کرد پیده است ۵- هرچه جنگ بیشتر بطول انجامیده،

قدرت و شوق مبارزه امریکائیها کاهش بیشتر یافته است.

۰۰۰ مدعاوین قانون مردم و ایشان آزاد بیشتر پیشان در جنگ حق طلبانه آنها علیه تجاوز امریکا و بحاطر دفاع ملت بدین کونه ایست هرچه جنگ بیشتر بطول انجامده قدرت و شوق مبارزه مردم افزایش میابد.

۰۰۰ این قانون هنگی بسیار عینی مختلفی است. حقوق و بیتام که اکنون در مقابل امریکاییان امریکا مقاومت میکند نمایند منیرهای انتقامی عصر کوتولی است پیشراوی مبارزه برای تحفظ انقلاب جنگ است. موقعیت استراتژی با امکان میدهد که بحملات تعریضی علیه دشمن حلقهای جهان دست زند. دشمن افراد زیارتی و بمیدان میفرستند، محارب قوی اسلامی را منحل میشوند و چشمی و سلاحهای دروازی را یکارهایند ازد و ولی قدرت محلی جنوبی رینبرد سیاسی و نظمی آن است و البته امکانات او تمام شدن نیست و از آن بهتر مبارزه حلق جنوب را رسیده زند سیاسی - نظامی سیر میگذند.

ازین فواین چنین نتیجه کفتمیشود . هرچه جنگ پس
پیش از این مدت بیروز نبیند رکارت . هرچه مدت گذشت تا طول این
سوق میازده مردم افزون شوند کرد . بنابراین جنگ مقاومت در
وینام علیه تجاوز امریکا باستی جنگ طولانی باشد . این جنگ
طولانی امکان تعمیر و تکامل تناسب دوا را پنهن می بود و می
ویسا امکان میدهد که بیپوشیهای عظیمتی نائل کردیم .

مرکی کو بقیه از صفحه
باید رشته آنها را در آور
باید شموعهای آنها را محتوم ساخته باید از رسمه شاگرد
آنها بر داده منسخه ای را که نیمیش نباشد همیشه کامل جلو

نیزت .
ما میداریم که رفاقتی دیگر مارکیت - لینینست ما سز که با
ایران و اتریش اتفاقی ایجاد است این افزایش بازی شد ماست به
شیوه کیری و اتحاد خصم لازم دیگر نیزند .
وسایلها بسیاری در کنکشن، واچووناکه اداره رک شمیجیک
دار میان می برد .

و استعمال باید انجام کیرد و این اصول باید مورد میول کوش
واقع شود: (تکیه روی کلمات از مات) و در همانجا بمحفل
شوریه: متول میشوند و کسانی را که میکویند شما که از عضویت در
کوش انتقاد میکنید چرا خودتان برای اتحاد با کوش نلاش
میکنید: بدان سه میکنند که آنها بیوند ریالکی اتحاد و
سازاره را سه، میهنند.

بعدیهه مارکسیست - لینینیست ها پیوند ریالیتیکی اتحاد و
بساره زننها در میان نیوپهای درون حلقه میتوان وجود داشته
باشد و الا خلق و بنام هم با حاضرسن "پیوند" ریالیتیکی وحدت
و بسازه "برقراری سکردار" و آزان سازمانی که ساخته امیریالیسم
هاست، از تراستها و کارتلهای از آن همتر از سازمان جاسوسی
(سیا) یول میکرید و رهبرانش اغضا" (سیا) هستند نیعنی
انتظار بسازه "بر ضد امیریالیسم و استعمار" را داشت.
آیا پیوند نیستها با گذارهای رنگارنگ خود، مج حودشان را
باز نمی کنند؟

شانه ها . . . بغایه از صفحهٔ اعتراف مطیوعات امریکائی خود را در اختیار ارتش نجات بحق است . ارتش آزادی بخشن و بتام جنوبی توانست سیاری از استانهای ویتنام جنوبی بخصوص شهر های ساکن، کوئن، دانان و هوئه وغیره را مورد حمله فرار دهد بدین ترتیب ایالات تحدید ناگیربرگرفتن موضع تد افی کرد پس بنابر اعتراف مطیوعات عربی این شکستهای باعث آن گردیدند که امریکائیها با از رست داران ابتکار عمل نه تنها از نظر تاکتیکی بلکه عملاً بشکست بگرایند . . .

تربیکی و تاکنیکی امریکاییها بدن شریجه میمانند.
در اسلامیان اخیر ایالات متحده با نام فوا کوشیدگی کا توسل به
عملات تعریضی "و حملات تصفیهای" و همچنین "تمریعه رینج
اندرا" و یا سفرز نیروهای خود را برگزش عملیات برای در
هم شکستن یا گاکهای ارشنجات بخت - با سنت مژه او
تفصیل مجدداً کاربری ارشن امریکا و ارشن دست نشاند کان، رشد
خود را "کشف و تابور" کند و لیکن تمام این تدقیقاتی کوئاکون
رجار شکست کرد بد. ارشنجات بخت نه تنها از تمام این
امتحانات با موقعیت پیرون آمد بلکه به مستبورانه پلاهای بسی
درمانی وارد ساخت. اود پک جرات ندارد که حقوق هم از
اعمال آنیده برای "کشف و تابور" دشمن و "شکست" دشمن
فرقان "او برین آورد. اکنون او ناگفیر است لحن خود را
تحفیف رده و از سیاست "پریه زدن" به نیزی دشمن سجن
نوبد. آیا این تحفیف لحن شانه آن نیست که امریکایه صعف
کرایده است اکنون وضع امریکا بجاوار رسیده که ریکنزا
شکست طعمیش قادر نیست استراتژی و تاکنیک ریکنیر از آنچه
ناکن. او اینکت کنانه است اخخار کند.

چهارمین شانه شکست امریکا در آنست که ارتش استراتژیک قوای امریکائی پنهانو تاپل ملا جنگلی و ارتش استراتژیک قوای در نشانده بشدت تعطیل یافته است
قوای امریکا در میدان جنگ و شنام جنوبی نه میتواند بعترض روزنده به قادر است از موجودیت حوش دفاع کند . محارب اینست امریکا در ویتنام سه سال آور است، در هر یک از حملات مقدار زیادی تجهیزات نظامی نایاب میشود هر یک از حملات گتصیفی بقیمت جان سیاری از افراد تمام میشود . تنها جزئی از نظری اینست
نظایر امریکا در ویندام میتواند در حالت آماده باش را شنید . امریکائیها بنا بر اینروهای حرب و ارتجاعی بکار میبرند که اصولاً هم بین برناهای ورق نمیدهد . مثلاً نیروهای ناگران امریکا در داخل کشور می چنگند که نیروی زمینی در دریا ووار میکنند . نیروهای دریائی در نهانگاه میازره میکنند . . . بنابراین از نیروهای امریکا بله و میور . آنها قادر نیستند که با از خود رفع کنندچه رسید به خط قوای دست نشانده که با وجود از دیوار نغرات (۰۰۰۰-۷۰۰ نفر) اساساً متحرک نیستند و مرتبت در حال فرار و اخراجیان اند .
پنجمین شانه شکست امریکا در آنست که رومی دست نشانده است

در سایکون در حال نزد است
مسار و نا توانی روزیم نکوین مان تیو و ننکوین کاتوکی دیکر برک
پوشیده نیست . اگر روزیم نکوین بد از پشتیمانی برقی از
طبقات بالا مرغهای مده عیین برخود را بود روزیم دست شناخته
نکوین هنر ار این پشتیمانی هم محروم است . . اگون بجهوی

و پژوهیست ها . بینه از صحفه ^۲ فعالیت های حود را در این
دستور مشریع ساز که سازمان های دانشجویی در ایران و در
سازار از تکمیل از طرف مقامات دولتی ایران "سرمیعت شناخته
حود . پی بعدی آنها "مسئله بوسیط شناختن سازمان های
دانشجویی اهمیت زیادی دارد و باید در میانزده بیوه برای نیل
آن "بین نکات توجه کرد : "برای پیش بروند این حواست
بید بقانون کار در مرور حق تشکیل مند یکا استناد کرد " و
برای پیش بروند این حواست باشد واقع مبنی بود بعنی از خبر
نونه شعار و عمل چه روانه و شماره ای تند و افراطی سیاسی
جنتاب کرد " و هم چنین از نظر آنها اهمیت برسی
شناختن این سازمان های از انجاست که این سازه هم صفتی است
و هم سیاسی ^۳ که میتواند تهدید های دانشجوی را جلب کند و زخم ر
را به عقب نشینی و دارد و امکانات مالکیت برای مبارزات کوتاه کو
بر راه حواسته ای صفتی و سیاسی دانشجویان بوجود آورد .
(تکیه روی کلمات از ماست)

کوکا بر روزیونیستها پوشیده است که کلیه فعالیت‌های جنیس انتخوچی به شادی محمد رضاشاه "جب روی "مند" و "غفارطی" است. اگرنا بر آن باشد که بخطار بررسی نشانه‌های ازین فعالیت‌ها اختصار کرده معلوم نیست که اصولاً چه بررسی نشانه‌های دارد؟ قانون کاربر موردن تشکیل مندی کیا که روزیونیستها بدای استناد می‌کنند اصولاً امکان حد اول فعالیت‌ای طبقاً منتهی اتفاق را هم ایجاد نمکردند است چه وسیله فعالیت‌های سیاسی که بنیانگذار از جمله وظایف عده جنیس را مؤکداً پذیری و ضد امپریالیستی را تشجیعیان فوار کرته است. آنچه

و زیستی میباشد. نامش را عقب شنیده رویم میلاد از دید بخود رفیعیه
نیسته از این باد. برای داشتگیان هزاران بار کارهای
که بخالیت خد امیریالیستی و دمکراتیک پیراز نداشت آنکه ازان
صونظر کنند یا بن امید که شاید روزی بور تقدیم محمد رضا شاه
هرار کیوت و برسمیت شناخته شوند.
اینهاست آنچه عیناً و غیره و زیرینیستها را در شناس با گفتار را
سیون نگاه داشته است. آنها می بینند که خود به غیر کارهای
اند و چون دیگر تمیتوانند به پیش رویند، میکوشند که دیگران را
هم بعیض بگشانند. از آنجا که خودشان میخواهند از طرف
محمد رضا شاه برسمیت شناخته شوند بهتر میدانند که قل از
آنها ریگران بحث این برسمیت شناخته دند "تن در دهن
تا ن اقل کسان در رسوای آنده آنان شریک باشند. بعدیم
ما یار آوری آنها از نفاطت تاریکی که میگشانند در نهضت داشتیم
وجود راره محظی است برای بعث نگاه داشتن جنیش
دانشجویی .

ما بایر فضاییم که در سه مسیر از این مسیر می‌گذریم
وجود را در که البته بسیج وجه ناید از آن کشته و علی رعی
مالی اشتباہ آمیز برخی از دروستان رانشجویابد این نقاط
ساریک را که بار برای عینیته روشن ساخت شاعران و افکار تواند
از وجود آنها سو استفاده کند . ولی ما هرگز عقیده نداریم
که این نقاط تاریک تعیین کننده جمیعت حرکت گذراشیون بوده
اند . بلکه بینتر ما گذراشیون مصلحین و رانشجویان ایرانی
در سالهای اخیر در جنبش ملی و دموکراتیک میهین ما ننقش

شایسته‌ای ایفا کرد هاست. یکی از ناطقان تاریخ وور و گفت راه برای
به "کفرانسین الطلى راشچویان" (کوسک) بود. رشد
جنیش داشتچوین بدانجا رسید که توانست با سازمان منور
قطع رابطه کند و بسازرمه با آن پیربرادر زد. ما معتقدیم که
جنیش داشتچوین همانجا به پیشوافت و تکاپل خود ادامه دیده
و دیگر اجازه نتواءهد را که منین ناطق تاریکی در فعالیت

جیسین پیروز نهاد
اکنون کنفدراسیون بعضیت اتحاد بهین المللی دانشجویان دارد
آنده است . مثاقن اندی و روابط بین اتحاد بهین المللی صورت
کرکت که اتحاد به بیک سازمان بوروکرات تبدیل شده است که در
آن رویپرداختن استیارات هزاران دانشجوی رمکشند ده نظریات
شد دموکراتیک خود را بجنشت جهانی دانشجویان تحمیل نمایند
از آنبا که رویپرداختن از سر سازنی امیرالیامس در آنده است
میکشند اتحاد را تیزبازنی میکنند " وا دارد . کفرانس
دانشجویان ایرانی باید با این سازنی جدا مخالفت کند .
رویپرداختن ایران در جزو " ما و نکندراسین " میکشند
سازنی اتحاد به با " ملکوس " را تهدید کنند . تصر آنها اتحاد
پس از اتحاد نیست بلکه بر پایه اصول دموکراتیک و مترقبی یعنی

نشانه‌های شکست امپیکادر ویتنام

حلق ویتنام ده اثون و بربر امیرالیشم امریکا
مقامات میکند ناینده نیووهای انتلابی عصر کشونی
است پیشگاز اول مبارزه برای تحقق انقلاب جهانی
نمی است.

چندی پیش روزنامه "کوان دری نان" ارکان ارش و یستان مقاله‌ای تحت عنوان "اکنون شکست امریکا بر همه روشی است" منتشر راد - ما مختصر آنرا در اینجا نقل می‌کنیم -

اگون سومن سالی که امریکا پیجند وسیع حملی در چنوب
وینتام دست زده آغاز کردیده است . ایالت متحده در خان
وینتام جنوبی بین از ۲ / ۱ ملیون افراد نظامی در اختیار دارد
این افراد با جدیدترین سلاحهای نظامی تا دندران مجهز
کردیده اند . قسمت اصلی قوای نظامی را امریکائیها تشکیل میکند
که تعداد اشان از نیم میلیون نفر تجاوز نمیکند . با وجود این
تشکیل آن امریکا به عین کرب وسیعه نیست .

۰۰. اولین نشانه شکست امریکا در آنست که اکنون "ستون مقررات" ازش او شکسته شده است

ستون فقرات از ارشن امریکا در ویتنام جنوبی عبارت بود از قوی

که از کون تین و دو میلیون (در رجایه شماره ۹) استان می تو
در جلوی دنای مکونگ مستقر گند .
اکن صرف نظر از فوای اندادی اخیر بلشکرها و تیپ های پیاره
امریکاشکت های سنتیتی وارد شده و درست جنک آلبایشید
گاهش باقی است . از سال ۱۹۶۷ مجموعاً ۴۲ کردان پیاره
نظام و ۴۰ کردان زرهی امریکا و نیروهای زیر دستش نایاب گردید
اند در سال ۱۹۶۵/۶۶ مجموعاً ۴۳ کردان پیاره و

کردان زیزی امریکا باز بین رفته و به بعضی از تیپ ها جناب ضرباتی وارد آمده است که دیگر در شرف نایابد هستند. صره توای دریائی امریکا در نواحی کوان تی و توائین در حال محاصره است و نیتی واند نایابد قربالوقوع خود را منتفی سازد.

تعداد بسیاری از کروهان های نیزی دریائی به نصف رسیده است . . . از تعداد نیم ملیون نفر سپاهی امریکا تنها ۴۲ کردان آن شحرک است . از آنجا که جنگ تولد های در رهه چا در رکیر است این ۴۲ کردان نیز در رهه چا پراکنده است و بهمین دلیل ضرباتی که بقوای نظامی امریکا وارد آمده واقعاً توان فرساست . چندی پیش یک حیر نکار امریکائی کژوارش را از که نیزی امریکا آن جناب تنظیل یافته که دیگر امکان نخواهد برا آنها وجود نیست .

وست مولاند در آن هنگامی که اولین قوای امریکا به وینا آمدند متکبرانه مدعا بود که میتوارد قوای ارتش نجات بخشن را گشته ونا بود "کند" و "ستون فقرات" آنرا بشکند . ولی واقعیت عکس آنجه که موراد آزرنی او بیود بایان وساند . . . معمولی توجه هر چنگی در آنجا تعیین میشود که قوای کدا مطری نابود شود . بنا بر اظهارات وستمورلاند گلکید "بیرونی امریکا آن بود که "ستون فقرات" شمن را بشکند . ولی اکنون ۱ بن گلکید . درست ارتش نجات بخشن و وینا جنوبی است .
درست ارتش نجات بخشن و وینا جنوبی است .

د وین ساتھ سست امریک دا رست د پس رے سمی دیجی
تشریف استراتژیک "حود ناکریز بعقب نشینی گردیده اسٹ
امریکاپیارا اکابر ۱۹۶۶ نا ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ هنوز درت اثرا
داشتند که بطوط مسلسل یجند حمله "تھفییا" بیرون ازند و معدما
اعمال "جانکین سیتی" را فراهم آورند. ولی پس از آنکه "جانکین
سیتی" در اوائل ۱۹۷۲ بناگای انجامید دیرک امریکاپیارا
نشستند حتی یهی حمله "تھفییا" که نیازی نبین از یک لنکر باشد
دست زنند. این حملات "تھفییا" در راونج تعریف شایسته بود که
بعنطرو "کیف و نابود" کردن اورت نجات بخشندوای صورت

۳۰۰ - استکار عملیات نظامی، بنایه
بسته ۲۰ صفحه ۳

مِرگِ عَبَاس سے گائی

کوتیں درستی و میں حاصل کی پر کرد آتھا درود معاوہ احمد
و راه فربی کارپیہای سیاس اینا را کی معاوہ شد . در
پسین شرایطی میانی پس از پندر ماه تحمل ، ماین حد بال که
چون حزب رومانی صریحاً در سرا بر احراب مارکسیتی - لئنیشی
موضع سکرته نریزاب رویزیونستہای شوروں استقلال عمل شناس
مید دهد از دولت رومانی تعادی پناہنده تی کرد . ولی دولت
رومانی کے تحبس وعده موافق داردیداً - تحت هفتار جمعوالی؟
- شرایط نامہنجاری سراو اور مراudem اوور و بالاحرره او را کے
اعسر فرازی میازکویست کجاهد سند قانونی ، تحت تعقیب
بلیس و سازمان امیت ایران سوسائسارت آلمان در دارالرسان
وضع معافی در آلمان ددرال دشوارت و دادرستگردید .
بیماری طبیش شدت یافت و در بیمارستان افتاد . در این موقع
مشتعلات یک ساله بی دوائی و میدانی و دریندی را خرسود را
ترهه و مساختی را زای پان در آورده بود . چون عوارضین مرد
را احس کرد بنز و دوفورت شن کرد آلمان دمولیست حست
لذتی را در بامیمید اینک تا حریرین دیدار آتھا نائل آبد خود را
ساحال احتصار بینی از بیمارستان اینا برلن عربی کشاند . ولی
رویزیونستہای حزب توده ایران و آلمان دموکراتیکیتا احریس
لحسه مواعظ نکردن کم سماقی به آلمان دموکراتیکیتا بانک ارد
و از زن و دویزندش دیداری کرد . ساین طریق دستفا یا که
از جیبے متعدد رویزیونستہای است ایرانی که چجزه نما فرق
حولیں را در لایلی رسم سچ سیا ساخته اند سوی آن سه
عنفو لکتی مركزی در ارن شده بود سا لاحر د رسیمه رعیت سعائی
فرهنگست .

برت سعائی بر عردن تارهای رشحات سارکیستها - لینیستها
سب . مرگ سعائی با هر مان میدهد شد در ساره سوی ساید اورن
و استوارتر بایسم . مرگ سعائی منا میدهد کروزیونیستها
بیون در مرمهه ایندو لوویت و سیاسی بشکستهای سخت دچار
منه و بین عقاب شده اند غما نتی اصلی خود را به اتهام پراکنی
تفاق افتکنی توشنگردی و حرمانی متوجه ساخته اند . شوه
عدمه کار آنها ترسکیستی و اسیستی است . میلسونه از
«عوماییم » دم میزند و واصلیاً عم در برایر امپریالیستها و
چ اسوسانشان ، در برایر جووسون ها و محمد رحائمه اهه در برایر
لکندرزها خود فرموده ها ، سی پرسیپیها سیار عومایست و
خلیع و مهربان اند ولی در برایر مارکیستها - لینیستها
کین چوو در دندنه و بیون حوار اند . سازمانهای مارکیستی .
لینیستی باید باین نکته توجه نای داشته باشند . سایداین
اعتفاد رایح پرسید که رویزیوستها در مبارزه با سروهای
امقلیون در حق امپریالیستها و مزدمعان دیگر چار را زند .
مرگ سعائی رایح سنگی است بر چهره آن افرادی که خود را در
کار مارکیستها - لینیستها خدا داده اند و از بیش باشها
خنجر میزند ، افرادی که در کوییدن هم عضو کمیته مرکزی
در همه حال با رویزیوستها عما همیلی کردند افرادی که در
سازمان مارکیستی - لینیستی ایران را بسازیون محتلف
در ریو و کناره ای سکه راشند ، ترسی های ترازنهاشی را برار
دادند و زمیه مساعد غما نتی را چنان بر هم رسید که برای
بهسوز آن رحلات و مشقات فراواں لارم است . حواتی که در
حرب کویست پسریک ، حرب کویست و نزویلا و حرب سوسایه
کویا تدشی اس میتواند بیرون خود را بر عصیان ریان کارانه
این مادر احراج ای سا سی و کرد اند که یاری اند که نیست
زره آنها بیفتد . خود اس مد تکریح ای است که چونه یک
شارل ایان سیاسی با استعاره از شرایط کوئی سهیت کویستی
سخور رشیر « در مقابله ای اروپا » در مقابله ، چکووه رویزیوستها
ساز خوبی را سایه مارکیست - لینیست را در قطب اند ای
ما میرنند تا مجموعه ای
سد ، حشویت رویزیوستها سالانه خود را ارجأت و سازمانها
مارکیستی - لینیستی سادوسی و خرابکار سرد ارد .
خواه ده کوی عقدت ساری مارکیستها - لینیستها ایران
بنده سرای خده ای راب و سازمانهای مارکیستی - لینیست
د ها در سرعتی ایس ، در ایران ساند سر چشم و وجود این
همچو عزم ای ای